

فصلنامه علمی قانون یار

LICENSE NUMBER: 78864 ARTICLE COD:Y8SH32A44867 ISSN-P: 2538-3701

انصاف و عدالت قضائی در تعدیل خسارت وجه التزام قراردادی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۰۳)

دنیا مفتون حقیقی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

چکیده

گرچه اصل بر لزوم قراردادهاست؛ اما با این وجود در برخی از قراردادها که از سوی طرفین یا یکی از آنها باید عملی انجام شود. همانند ساخت و ساز و یا اجرای یک فعل ممکن است طرفی که ذینفع است جهت اطمینان از اجرای به موقع قرارداد مبلغی را بعنوان وجه التزام پیش بینی کند که در صورت عدم انجام قرارداد در زمان مورد توافق متخلف قراردادی این مبلغ را پرداخت کند. گاهی این مبلغ بدل از انجام تعهد است و گاهی اهرم فشاری برای اجرای به موقع قرارداد است. از سوی دیگر ممکن است طرفین با توافق برای تخلف از اجرای شروط قراردادی و جبران خسارت ناشی از این وضعیت مبلغی را پیشاپیش به عنوان خسارت معین کنند. زیرا در فرض تخلف قراردادی همین که تعهد انجام نشود، مسئولیت متعهد ثابت می شود و طرف مقابل مستحق دریافت خسارت قراردادی خواهد بود. حال همواره با این امر روبه رو خواهیم بود که ممکن است طرفین وجه التزام یا خسارتی غیرعادلانه را در قرارداد پیش بینی کنند.

واژگان کلیدی: انصاف و عدالت قضایی، تعدیل خسارات، وجه التزام قراردادی



مقدمه

عدالت یک مفهوم عقلانی است و عقل بشری قادر به بررسی و ارزیابی آن می باشد. ما این توان و قدرت عقل بشری را از آموزه های قرآن مجید میتوانیم دریابیم با این وصف، تشخیص عدالت توسط قاضی با توجه به شرایط حاکم بر دعوا مورد پذیرش است. می توان از عدالت قضایی در قرارداد به معنای جایگاه و نقش استدلال قاضی در نگارش آرای قضایی در راستای اجرای عدالت نام برد که به موجب آن قاضی با رها ساختن خود از قید و بند قوانین و با تمسک به استدلال قضایی خویش بر اساس اوضاع و احوال حاکم بر دعوا تصمیم میگیرد تا بتواند به عدالت معاوضی دست یابد. در واقع اگر قانونگذار نسبت به تعدیل قرارداد در صورت برهم خوردن شرایط عادلانه ساکت باشد و طرفین نیز نسبت به آن توافقی نکرده باشند یا پس از حدوث شرایط توافق حاصل نشود، بحث عدالت قضایی به میان آید از این رو عدالت قضایی به هنگام حدوث شرایط خارجی موضوع مواد ۲۲۷، ۲۲۹ و ۲۴۰ قانون مدنی که منجر به عدم انجام تعهد از سوی متعهد گردیده جایگاهی نداشته و ورود نمی کند؛ زیرا به صراحت قانون با وقوع قوه قاهره و اثبات آن متعهد از پرداخت وجه التزام معاف می گردد. یکی از مصادیق نفوذ عدالت در آرای قضایی حکم به محکومیت مشروط علیه به خسارت مندرج در قرارداد تحت عنوان وجه التزام است. وجه التزام مبلغی است اصولاً ثابت که مستند آن ماه ۲۳۰ قانون مدنی است در زمینه تعدیل وجه التزام یا محق ندانستن متعهدله در دریافت آن یعنی حذف شرط به ویژه زمانی که تعادل یک قرارداد به دلایل مختلفی به هم میخورد نص صریحی در قانون مدنی ایران وجود ندارد و برخورد قضات با چنین موضوعی بستگی به نگاه آنان نسبت به ماهیت وجه التزام دارد؛ زیرا ترمیمی یا تنبیهی بودن ماهیت وجه التزام محل اختلاف است با این وجود اکثر قضات سعی دارند راهی از طریق تفسیر قوانین با استفاده از اصول و قواعد فقهی و حقوقی برای تعدیل یا حذف شرط وجه التزام بیابند. آنچه باید در ابتدا مورد بررسی قرار گیرد تبیین مفهوم عدالت قضایی و ضرورت آن است؛ زیرا تا زمانی که عدالت قضایی به عنوان یک مبنا و ضرورت مورد تحلیل و پذیرش قرار نگیرد، تمایلی از سوی دادگاهها برای صدور آرای قضایی بر مبنای عدالت دیده نخواهد شد. پس از بحث مذکور، ماهیت خسارت قراردادی وجه التزام بررسی میشود؛ زیرا قضات با توجه به نگرششان نسبت به ماهیت وجه التزام، تصمیم متفاوتی اتخاذ میکنند؛ به طوری که برخی



معتقدند ماده ۲۳۰ قانون مدنی با مقتضیات اقتصادی و اجتماعی جامعه همخوانی نداشته و در هر شرایطی حکم به محکومیت متعهد به پرداخت کامل وجه التزام عادلانه نخواهد بود. این گروه در اثبات نظر خود به دو ابزار حقوقی تحت عناوین اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد و اجرای عدالت و انصاف به عنوان قاعده استناد میکنند در مقابل گروه دوم معتقدند که در خصوص تعدیل وجه التزام گزاف و هنگفت نص صریحی وجود نداشته و به همین دلیل راهی جز بطلان شرط به جهت نامشروع تلقی نمودن وجود ندارد.

بخش اول: مفهوم و ضرورت عدالت قضایی در قرارداد

عدالت قضایی به مفهوم عام حقوقی به معنای قدرت اجرای عدالت در یک مورد خاص در صورت صلاحدید برای کاهش خشکی و سختی قوانین حقوقی است (Kevin, ۱۹۹۷) یک قرارداد، محلی از تعادل است که قاضی در موارد خاص و بدون هیچ تردیدی با از بین بردن سوء استفاده های مربوط به نابرابریهای اقتصادی یا فنی تعادل و موازنه در حقوق و تعهدات طرفین عدالت معاوضی را به قرارداد برمی گرداند (Carvajal Arenas, ۲۰۱۱: ۱۰۱) منظور از عدالت معاوضی در مفهوم کنونی، رعایت برابری حقوق قراردادی طرفین در عقد معاوضی است؛ به طوری که حقوق طرفین قرارداد عرفاً با هم برابری می نماید و با توجه به ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی فرانسه هرگاه تعادل حقوق قراردادی به طور معناداری مخدوش گردد، نظریه عدالت معاوضی اقتضا مینماید تا به وسیله اصول معتبر حقوقی جبران گردد. همچنین با استنباط از مواد ۴۱۷ و ۱۹۴ قانون مدنی ایران نیز هر عدم توازنی لزوماً موجب خدشه دار شدن عدالت معاوضی نمی گردد؛ بلکه آنچه موازنه را بر هم میزند نابرابری است که از نظر عرف قابل مسامحه نباشد (خندانی و خاکباز، ۱۳۹۲: ۷۱) به طور مثال وجه التزام هنگفت که اختلاف فاحشی با خسارت واقعی دارد. از مصادیق عدم تعادل معنادار و نابرابری عرفی در حقوق و تعهدات طرفین است. همچنین عدم تعادل با وصف مذکور نیز باید ناشی از نابرابری در قدرت چانه زنی و معاملی به هنگام انعقاد قرارداد با عدم تعادل در روند اجرای قرارداد باشد. در اینجا است که باید به اعتبار دخالت دادرس یا همان عدالت قضایی با رعایت حدود متعارف، بتوان عدالت معاوضی را که در طول زمان یا با تغییر اوضاع و احوال کمرنگ گشته است با شرایط جدید منطبق کرد خندانی و خاکباز، کاربرد عدالت قضایی در چنین وضعیتی رسیدن به یک حکم عادلانه در خصوص متعهدی است. که تحت تأثیر



شرایط خارجی نه به میزان قوه قاهره نتوانسته است به تعهدات خود به طور کامل عمل کند؛ زیرا حوادثی که در حین اجرای عقد رخ داده و دفع آنها در توان متعهد باشد وی ملزم به دفع آنها بوده و در صورت قصور بعداً نمی تواند به استناد آن درخواست تعدیل قرارداد را مطرح کند؛ چرا که وی خلاف اصل حسن نیت رفتار نموده و بر اساس قاعده اقدام به ضرر خود استحقاق هیچگونه مساعدت و تخفیفی نخواهد داشت. (داراب پور و ادیب ۱۳۹۲:۷۶) از این رو نباید چنین پنداشت که تحت هیچ شرایطی مفاد عقد تغییر نمی کند بلکه عوامل گوناگونی از جمله لزوم اجرای عدالت لزوم رعایت حسن نیت و ایجاد تعادل اقتصادی میان عوضین ایجاب میکند تا مفاد عقد متناسب با ضرورت های اقتصادی و اجتماعی و خواست مشترک طرفین تغییر یابد و در این راستا روش تعدیل یا حذف شروط قرارداد به عنوان ابزاری در جهت اصلاح یا تجدید نظر در مفاد قراردادی که توازن مالی آن برهم خورده عمل می کند و از این طریق وضعیت طرفین را به شرایط قبل از وقوع حادثه بر میگرداند (رحیمی و عزیزاده، ۱۳۹۶:۱۴۹)

بخش دوم: تعریف وجه التزام

التزام که جمع آن التزامات است در لغت به معنای همراه بودن ملازمه شدن به گردن گرفتن، ملزم شدن به امری آماده کردن درآمدهای مالیاتی و همراهی (دلالت) می باشد. (معین، ۱۳۷۱:۲۳۵) اما از وجه التزام در حقوق ایران بدین گونه تعریف شده است. این واژه توافقی است که به موجب آن طرفین میزان خسارتی را که در صورت عدم اجرای قرارداد با ایجاد ضرر باید پرداخت شود را از پیش تعیین می کنند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵:۲۱۳)

همچنین بیان شده است که هرگاه طرفین عقد توافق کرده باشند که متعهد در صورت عدم اجرای تعهد یا تأخیر مبلغ معینی بپردازد این شرایط را وجه التزام گویند. (صفایی، ۱۳۹۸:۲۰۹) آنچه از تعاریف فوق قابل استفاده است این که در شرط وجه التزام مبلغ به طور مقطوع معین می گردد و در میزان تعیین وجه التزام هیچگونه محدودیتی وجود ندارد و تابع اراده طرفین میباشد. در مسئولیت های غیر قراردادی به ندرت شرط وجه التزام دیده میشود در این موضع مبلغ تعیینی را وجه التزام نمی گویند. چنانکه اگر صاحب کارخانه ای با



باغداران اطراف خود توافق کند که هرگاه در اثر آلوده شدن هوا به درختان آسیب برسد، او مبلغ معینی بپردازد چنین پولی را وجه التزام نمی نامند.

بخش سوم: ماهیت خسارت قراردادی وجه التزام و نظریات مختلف در مورد آن

نقش عدالت قضایی در مطالبه خسارت قراردادی تعدیل یا بطلان شرط وجه التزام ارتباط تنگاتنگی با ماهیت وجه التزام دارد. در واقع بر حسب مبنایی که برای ماهیت وجه التزام پذیرفته می شود، امکان تغییر وجه التزام داده خواهد شد. در خصوص ماهیت وجه التزام سه نظر قابل تصور است. برخی معتقدند که وجه التزام، ماهیتی کاملاً غیر ترمیمی (تنبیهی) دارد. (داراب پور و سلطانی احمد آباد ۱۳۹۴:۷۸) وجه التزام با ماهیت تنبیهی مبلغی است که علاوه بر خسارت ترمیمی به دلیل وقوع عمد یا سوء رفتار خواننده به نفع خواهان رأی داده میشود عالی پناه لذا تفاوتی ندارد که به خواهان ضرری وارد شده باشد یا خبر اگر ماهیت وجه التزام صرفاً تنبیهی باشد. اصولاً مبلغ آن ولو اینکه بسیار سنگین باشد، نباید قابل تغییر باشد؛ چرا که در واقع مجازات ناقض عهد میباشد. (رنجبر و سالاری پور) گروه دوم معتقدند که وجه التزام ماهیتی ترمیمی یا جبرانی دارد و خسارتی است که از بابت ضرر به زیان دیده به دلیل نقض قرارداد پرداخت میشود و مبنای دریافت خسارت ضرر رسیدن به خواهان است، نه سودی که خواننده دریافت میکند (حسینی مدرس و گلشنی ۱۳۹۲:۲) برخی دیگر معتقدند که وجه التزام دارای ماهیتی دوگانه است و به تبع قصد مشترک طرفین می تواند ماهیتی ترمیمی یا تنبیهی داشته باشد رنجبر و سالاری پور و برخورد دادگاهها با شرط وجه التزام از این منظر که ماهیت تنبیهی یا ترمیمی داشته باشد متفاوت است. این گروه خود به دو دسته تقسیم می گردند؛ به طوری که دسته اول معتقدند با وجود اینکه در اعمال خارت تنبیهی در موضوع نقض قراردادها اختلاف نظر وجود دارد در رو به موجود در موارد بسیاری از جمله در قرارداد وام یا قرارداد استخدام این امر پذیرفته شده است و می تواند از اقسام وجه التزام شمرده شود. طبق این نظریه گنجانیدن خسارت تنبیهی به صورت شرط در قرارداد با توجه به مواد ۱۰، ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی صحیح است. دسته دیگر ضمن پذیرش این نظریه، صحت شرط وجه التزام با ماهیت تنبیهی را مورد تردید قرار داده و معتقدند هرگاه ماهیت وجه التزام با توجه به شرایط قرارداد و قصد مشترک طرفین جنبه تنبیهی پیدا کرد شرط مذکور نامشروع و بی اثر است؛ زیرا طرفین نمی توانند به موجب قرارداد یکدیگر را



مجازات نمایند و این امر بر خلاف نظم عمومی می باشد (قاسم زاده و دیگران)

بخش چهارم: مبانی تعدیل وجه التزام

بند اول: اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد

پس از بررسی و تحلیل ماهیت وجه التزام برخی دادگاهها با این اعتقاد که در حقوق ایران، اصل بر ترمیمی بودن خسارت و اعاده وضع زبان دیده به حالت سابق است (قاسمی حامد و دیگران (۱۳۹۲:۱۲) یا این امر یعنی ترمیمی بودن وجه التزام از قصد مشترک طرفین استنباط میگردد برای تعدیل وجه التزام به اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد اصل یکپارچه نگری به قرارداد استناد میکنند اصل مذکور با یکی از قدیمی ترین قواعد تفسیر که همه قرارداد باید در نظر گرفته شود در آمیخته است و به طور مرتب در تفسیر قوانین به کار میرود در اصول UNIDROIT قید مشابهی در ماده ۵۴ تحت عنوان همه شروط باید تأثیر داده شوند ذکر گردیده است. در واقع احتیاط بر این است که هر اصطلاحی باید با توجه به متنش مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا یک اصطلاح زمانی که جدا از متن مورد بررسی قرار گیرد از معنای واقعی خود دور خواهد ماند و مستقل از سایر اجزای قرارداد مورد ارزیابی قرار نگیرد؛ بلکه تفسیر صحیح آن است که شرط یا عبارت مورد نظر در قرارداد به صورت منفک و جدای از سایر اجزای قرارداد مورد ارزیابی قرار نگیرد بلکه باید با در نظر گرفتن مجموع شروط مندرج در قرارداد و حتی زمینه و سیاق آن اقدام به رفع ابهام کرد. در این خصوص رأی صادره از شعبه ۵۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران به شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۱۰۹۶ مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۵ با خواسته مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی موضوع بند ۲۴ ماده ۵ قرارداد مشارکت در ساخت مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۲ مبتنی بر استدلال اصل تفسیر در پرتو کل قرار داده است و دادگاه در رأی صادره خود استدلال کرده است. نظر به اینکه تعهد تجدید نظر خواندگان به عنوان سازندگان بنا در قبال تعهد تجدید نظرخواه به عنوان مالک تنظیم شده و سابقه اختلافات طرفین و آرای متعدد صادره در این ارتباط حکایت از نقض تعهد و تحمل ضمان تاجرای قراردادی و عواقب قانونی مرتبط با آن از سوی تجدید نظر خواه دارد؛ به طوری که دادنامه شماره ۱۰۶ مورخ ۹۷/۱/۲۹ از این شعبه در مقام تأیید دادنامه شماره ۱۴۳۸ مورخ ۹۶/۱۰/۲۳ شعبه



محترم ۲۰۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران دلالت بر محکومیت تجدید نظر خواه به تحویل اصل سند مالکیت و اعطای وکالت کاری و انتقال دو دانگ از شش دانگ مشاع ملک به نام تجدید نظر خواندگان دارد و دادنامه شماره ۳۳ مورخ ۱۳۹۷/۱/۱۹ شعبه محترم ۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران سند حکایت دیگری از نقض تعهد تجدید نظر خواه است و با این وصف مأخوذ نمودن طرف مقابل به ایفاء تعهدات قراردادی و تحمل ضمانت اجرای آن خلاف اصول عدالت انصاف و اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد میباشد که به موجب آن تجزیه تعهدات قراردادی و تمسک به بخشی از آن از سوی متعهدله فارغ از تعهدات بر عهده وی غیر موجه است. زیرا تعهدات مندرج در قرارداد مشابه حلقه های یک زنجیر هدف مشترکی را تعقیب نموده و انفکاک بین آنها نظم موجود و هدف غایی قرارداد را مخدوش می سازد.... بدین ترتیب دادگاه مذکور تجدید نظر خواه را به دلیل کوتاهی در انجام تعهد خود مستحق مطالبه خسارت قراردادی ندانست.

مبانی این اصل به شرح ذیل است:

(الف) در قوانین ما اصل کلی نگرى به قرارداد اصلی ناشناخته نیست و به طور مثال در ماده ۱۹۴ قانون مدنی بدان اشاره گردیده است.

(ب) در حقوق ایران اصل بر متابعت از خواست و اراده طرفین در تفسیر قرارداد است و طرفین در ایجاد قرارداد، آن را به عنوان مجموعه ای واحد متعلق قصد خود قرار داده اند نه اینکه تنها به بخشی از قرارداد نظر داشته باشند و به مفاد سایر اجزای آن را بی توجه باشند. پذیرش این مبنا دارای آثار مهمی است که مستقیماً در تفسیر قرارداد مؤثر است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۸۵)

(ج) بر اساس قاعده فقهی اعمال الکلام اولی من اهماله هیچ یک از اجزای قرارداد را نباید مهمل و بیهوده تلقی کرد؛ زیرا تمام عناصر و بخشهای عقد به طور یکسان مدنظر طرفین معامله قرار گرفته است و برای ایشان مهم بوده است. بنابراین میتوان از تمام اجزای موجود در قرارداد در توجیه یا رفع ابهام از سایر بخشها نیز مدد گرفت (امامی، ۱۳۶۴: ۵)



د) از قاعده فقهی العقود تابعه للقصود نیز میتوان در اثبات اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد بهره گرفت (گیلانی: ۵۱۶: ۱۴۱۳) بر اساس ماده ۱۹۱ قانون مدنی و نظریه تقدم اراده باطنی که مبنای پذیرفته شده در حقوق ایران است. الفاظ و عبارت به کار رفته در قرارداد تنها نقش کاشفیت از اراده باطنی دارند. (کاتوزیان: ۲۳۲: ۱۳۹۵) و مادامی معتبرند که با اراده باطنی متعارض نباشند. بنابراین باید گفت در حقوق ایران قصد طرفین در قرارداد به عنوان مجموعه ای واحد متبلور است و در رفع ابهام از آن کل قرارداد و تمام شرایط پیرامونی آن مدنظر خواهد بود (شعاریان ستاری و ترابی: ۲۳۳: ۱۳۸۹)

برخی دکترین حقوقی اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد را پذیرفته و با استناد به قانون مدنی فرانسه بیان کرده اند که هرگاه قسمتی از تعهد انجام شده ولی تخلف نسبت به بعضی دیگر صورت گرفته باشد. دادگاه می تواند وجه التزام را نسبت به قسمت تخلف از تعهد صورت گرفته معین کند (جعفری لنگرودی: ۳۱۵: ۱۳۹۵) با این توضیحات دادگاه میتواند به اصل مذکور که دارای پشتوانه فقهی و قانونی است و از اراده طرفین نیز استنباط میشود در راستای اصل ۱۶۶ قانون اساسی یعنی رأی میتواند مستند به اصول باشد، و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی یعنی کامل نبودن ماده قانونی با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد، استناد نماید.

بند دوم: قاعده عدل و انصاف

اساس تکوین و تشریع بر عدل و انصاف استوار است. خداوند متعال در آیات و روایات از عموم مکلفین خواسته که عدل و انصاف را پایه و اساس کار خود قرار دهند و به آن عمل کنند. مقصود از عدل و عدالت این است که شارع در تمام احکام اعم از عبادات و معاملات عدالت را رعایت کرده و هیچ حکم ظالمانه ای را تشریع ننموده است. اساس و مبنای قواعد فقهی لاضرر و نفی عسر و حرج قاعده عدل می باشد (محامد) محل این قاعده جایی است که حس برقراری موازنه حقوق در انسان تحریک شود و حکم عقل و وجدان در چنین صورتی قاعده عدل و انصاف را تشکیل میدهد (جعفری لنگرودی: ۳۱۵: ۱۳۹۰) قاضی در مقام اجرای حکم باید تلاش کند از ظاهر مفاد عقد بگذرد و شرط را چنان معنا کند که از انصاف دور نباشد. (کاتوزیان: ۱۳۹۰: ۳۳-۳۲۰) قاضی باید شروط گزاف و ناعادلانه را تعدیل کند و تعدیل قوانین بر اساس عدالت نیاز به تصریح



قانونگذار ندارد (حاتمی و صادقی ۱۳۹۸:۸۸) قضات از عدالت و انصاف به عنوان قاعده بر مبنای ترمیمی بودن وجه التزام در راستای تعدیل آن استفاده میکنند در خصوص معرفی عدالت به عنوان یک قاعده اختلاف نظر وجود دارد (صادق زاده طباطبایی (۱۳۹۳:۱۵۶) ولی برخی معتقدند زمانی که فقیه، قاضی یا حقوقدان عدالت را به مثابه اصل و قاعده برتر در کنار استنباط تلقی کند روشن است که همانند برخی از فقها، نه تنها به استناد قاعده عدالت مبادرت به صدور حکم با فتوا میکند بلکه همان گونه که خواهیم دید. یا ترازوی عدالت میتواند مطلق را مفید یا مفیدی را مطلق کند. علاوه بر این در پاره ای از موارد مجتهد میتواند گستره حکم را با استناد به قاعده مذکور محدود یا وسیع تر کند (اصغری، ۱۳۸۸:۴) با این وصف برخی دادگاهها با اعتقاد به ماهیت ترمیمی وجه التزام بر مبنای نظم عمومی اقتصادی و با استفاده از قاعده مذکور سعی میکنند تا خسارت تعیین نشده را به عدالت نزدیک کرده و به نوعی تعادل قراردادی ایجاد کنند. رأی صادر شده از شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان لنگرود در خصوص پرداخت خسارت تا خیر در انجام تعهد روزانه ۵۰۰۰۰۰ ریال از تاریخ ۹۳/۶/۱ لغایت اجرای حکم مبتنی بر استدلال فوق است. و چنین مقرر میدارد.... با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد که میزان مبلغ وجه التزام بالغ بر چهل و دو میلیون تومان و مبلغ اصل دین نسبت به آن بسیار فاحش میباشد دادگاه نمی تواند با تکیه بر وجدان و شرف قضایی خویش عدالت را نادیده بگیرد و تنها به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی توجه نماید؛ زیرا ماده ۲۳۰ قانون مدنی، ترجمه ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی ۱۸۰۴ قانون فرانسه می باشد که قاضی نمی توانست مبلغ را کاهش یا افزایش دهد و ماده قانونی مذکور در فرانسه در سال ۱۹۷۵ اصلاح گردیده و طبق آن دادگاه میتواند با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد مبلغ را تعدیل نماید. درست است که ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران اصلاح نگردیده و بر مبنای اصل حاکمیت اراده است ولی با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد صدر الذکر، قاعده عدالت میتواند ماده مذکور را تعدیل نماید. لذا دادگاه در خصوص خسارت تاخیر تأدیه به جای خسارت قراردادی به خسارت قانونی تمسک جسته و حکم به محکومیت خوانده به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید به استناد ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بر مبنای نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی صادر می نماید...! در تحلیل رأی یادشده میتوان اینگونه استدلال کرد که با عنایت به اصل چهلم قانون اساسی و در راستای اعمال



قاعده عدالت هرگاه دادگاه با لحاظ اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد مبلغ شرط وجه التزام را نامتناسب بداند مبلغ مذکور را به مبلغ زبان واقعی با معقول و متناسب تقلیل می‌دهد و این امر از عبارت ماده ۱۱۵۲ اصلاحی قانون فرانسه نیز قابل برداشت است و از این رو برای اعمال این قاعده نیز محدوده و چارچوبی معین می‌گردد. استدلال دادگاه مذکور از این منظر قابل دفاع است که تفسیر یک ماده قانونی همچون ماده ۲۳۰ قانون مدنی که اطلاق دارد نباید در تضاد با سایر اصول مسلم حقوقی از جمله عدالت معاوضی عقلایی بودن امور توافقی باشد. از این رو عبارت در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید..... در ماده ۲۳۰ باید بدین صورت تفسیر گردد که میان تخلف و مبلغ خسارت، باید تعادل نسبی وجود داشته باشد و قانونگذار که حکیم و عادل است، قطعاً چنین امری را تأیید مینماید و قطعاً در ماده مذکور، عدالت و تعادل به صورت ضمنی و مستتر وجود دارد که باید مدنظر قرار گیرد. اگر عدالت و انصاف یک قاعده باشد یعنی در عرض قواعد دیگر است و وقتی در عرض قواعد دیگر باشد، یعنی هم تراز با قواعد دیگر است و ممکن است گاهی بر سایر قواعد غلبه کند و گاهی نیز مغلوب واقع شود از این رو عدالت باید در طول قواعد دیگر باشد و در واقع مبنای تمام قواعد و قوانین قرار گیرد. جایگاه اصل عدالت در فقه بدین معناست که هر حکم شرعی از ناحیه شارع برای بندگان خدا بر محور عدل است و حکم مشتمل بر ظلم یا غیر عدل حکم شرعی نمی‌باشد. فقیه و حقوقدان در جریان استنباط چنانچه به حکمی دست یابد که منطبق با عدالت نباشد باید استنباط خود را تخطئه کند و مطمئن گردد که در مسیر مزبور مرتکب خطا شده است. (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۲۵۷)

بند سوم: نامشروع و غرری دانستن شرط وجه التزام گزاف

شرط نامشروع شرطی است که با قوانین امری یا نظم عمومی و اخلاق حسنه منافی باشد. مقصود ماده ۲۳۲ قانون مدنی تنها حمایت از قانون در برابر قراردادهای خصوصی نیست و قانونگذار با به کاربردن اصطلاح «نامشروع» خواسته است اخلاقی بودن شروط را نیز تأمین کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۰۴). در واقع شرطی که به منافع عمومی لطمه می‌زند و نظم را که لازمه حسن جریان امور اداری، سیاسی یا اقتصادی یا حفظ خانواده است برهم زند (کاتوزیان ۱۳۸۸ ش ۱۳۲) موجب برانگیخته شدن وجدان اجتماعی گردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۲) خلاف عدالت و انصاف نیز هست و شرطی که خلاف عدالت باشد، ظلم است و ظلم در شرع و



احکام الهی محکوم به رد است. برخی دادگاهها شرط وجه التزام گزاف را شرطی غرری محسوب و به عنوان شرط ناشروع تلقی میکنند.

رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور به شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۹۱۰۳۸۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ در خصوص تعیین وجه التزام بیش از ثمن معامله اینگونه استدلال میکند از آنجا که طبق مقررات قانون مدنی از اوصاف شروط مندرج در عقود این است که نامشروع بند ۳ ماده ۲۳۲ و خلاف مقتضای عقد بند یک ماده (۲۳۳) نباشد، عدم تعادل بارز و غیر متعارف ارزش عرفی عوضین در عقود معاوضی یا اشتراط شرطی که موجب تملک پیش از آن گردد از مصادیق شرط ضرری و غربی و دارا شدن غیر عادلانه و شبیه آن مثل غرور و اضرار در خود عقد است و طبق موازین فقهی تا مشروع است.... بر خلاف طرفداران بطلان شرط وجه التزام گزاف به علت نامشروع بودن آن تعدیل شرط مزبور دارای پشتوانه فقهی است. مهمترین پشتوانه آن جریان قاعده میسور است که مبتنی بر نفی دشواری در قراردادهاست مقتضای قاعده این است که آن میزان از حکم که موجبات عسرت و تنگدستی مکلف را به دنبال دارد معور و برداشته می شود و از این رو وجه التزام را که اجرای قرارداد میباشد با توجه به اوضاع و احوال قرارداد میتوان تعدیل کرد. تشخیص میزان توان متعهد در اجرای قرارداد با دادگاه است که با لحاظ شرایطی قرارداد را مورد بازبینی قرار داده و به تعدیل حکم میدهد. (محقق داماد، ۱۳۹۸ ۴۲۷-۴۱۷)

بند چهارم: قاعده فقهی اکل مال به باطل

اگر معلوم شود متعهد له هیچ هزینه اضافی و ضرری متحمل نشده است دریافت مبالغ هنگفت وجه التزام نوعی اکل مال به باطل است. باطل به معنای بدون عوض و بلا استحقاق است. (طبرسی، بی تاج ۳، ص ۶۸). این قاعده به عنوان یکی از منابع تعهد در اکثر کشورها پذیرفته شده است و استفاده بدون جهت قانونی یا قراردادی منع شده است. قاعده مزبور مبنای بسیاری از مواد قانون مدنی در خصوص منع دارا شدن بدون جهت است. طبق این قاعده با افزایش دارایی یکی دارایی دیگری کاهش می یابد و یا هزینه ای به ناحق بر دیگری تحمیل میشود که این افزایش دارائی من غیر حق و ناعادلانه است. طبق اصل ۴۹ قانون اساسی دولت موظف



است ثروتهای نامشروع را اخذ و به صاحب آن برگرداند. (سلیمانی و دیگران ۱۳۹۵، ص ۵۳-۲۷) خسارتی که گراف و اجحاف آمیز است مبتنی بر ناحق می باشد و برای قاضی حق تعدیل جهت مبارزه با آن در نظر گرفته شده و چنین شرطی مصداق کسب ثروت نارواست و از درجه اعتبار ساقط است. (کربلایی آقازاده، ۱۳۹۰ ص ۱۲۹-۱۲۴)

بند پنجم: بنای عقلا

شروط و قراردادهای غیر منصفانه و ناعادلانه موافق بنای عقلا نیستند و نامشروع و مخالف با قاعده عدل و انصاف اند عیسی تفریشی و دیگران (۱۳۹۴) اگر انگیزه درج وجه التزام کیفر باشد و این انگیزه به حدی نامتعارف و غیر معقول باشد که به ماهیت خسارتی وجه التزام لطمه وارد کند دیگر این مبلغ وجه التزام محسوب نمی شود و طبق بنای عقلا باید تناسب عقلایی بین مبلغ وجه التزام و خسارت محتمل الوقوع وجود داشته باشد. عدم تناسب با قصد مشترک طرفین نیز سازگار نیست مبلغ وجه التزام باید به گونه ای باشد که عنوان خسارت بر آن صدق کند. در واقع توافق بر امری که متکی بر احتمالات نامتعارف است خود امری غیر عقلایی و غرری است. (حاتمی و صادقی ۱۳۹۲:۸۸)

بند ششم: اخلاق حسنه و نظم عمومی اقتصادی

علاوه بر مرحله وضع قانون باید در مرحله اجرا و تفسیر قانون نیز موازین اخلاق حسنه رعایت شود. (جعفری لنگرودی ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱۹) در جایی که شرط غیر منصفانه است و بر مالک هیچ خسارتی وارد نشده یا ناچیز است دریافت مبالغ هنگفت مذموم و ناپسند است و خلاف اخلاق حسنه می باشد. (عیسی تفریشی و دیگران، ۱۳۹۴:۴۵) به نظر می رسد قدرت الزام این حکم در فرضی است که طرفین در انعقاد قرارداد شرایط یکسان و برابر داشته باشند، لذا در فرضی که یکی از طرفین تحت تاثیر قدرت اقتصادی طرف دیگر قرار دارد نمی توان به استناد این ماده قاضی را از تعدیل منع کرد (صفائی ۱۳۹۵:۷۷) نظم عمومی عاملی است که دامنه اصل آزادی قراردادی را تا آنجایی که با مصالح و منافع عمومی یک جامعه در تعارض باشد، محدود می کند. ناعادلانه بودن مفاهیمی مشابه غیر منصفانه و خلاف وجدان و اخلاق حسنه دارد برای مثال اگر برای تأخیر در



تحويل مجتمع ساختمانی وجه التزام معادل روزانه دو برابر قیمت کل پروژ تعیین شود یا در صورت تأخیر در تنظیم سند رسمی مبلغی معادل یک دوم قیمت ملک پرداخت شود. معیار غیر عادلانه بودن، نوعی است هرگاه مبلغ وجه التزام به نوعی باشد که چهره عدالت معاوضی را نقض کند و خلاف نظم عمومی اقتصادی باشد، ظالمانه محسوب میشود. (حاتمی و صادقی ۱۳۹۲:۸۵) ممنوعیت تعدیل وجه التزام موجب سوء استفاده طرف قوی قرارداد از ناتوانی ضعیف میشود و بر خلاف اخلاق حسنه است و موجب بهره برداری نامشروع میشود و خلاف عدالت معاوضی است زمانی که تعادلی بین خسارتی که وارد شده و ما به ازانی که پیش بینی شده است وجود ندارد عدالت معاوضی خدشه دار شده است. (کاتوزیان ۱۳۹۰، ص ۱۹۶-۱۹۲)

بند هفتم: استناد به قواعد دیگر

با استناد به قوانین دیگر میتوان قابلیت تعدیل وجه التزام را استدلال کرد به موجب ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی به این صورت که اگر تاخیر قابل اغماض باشد دادگاه وجه التزام را نادیده بگیرد یا از میزان آن بکاهد. (کاتوزیان ۱۳۹۰:۷۰) به طور مثال اگر پروژه ساختمانی با تأخیر تکمیل و تحويل داده شود نباید معادل نیمی از عوض قرارداد به عنوان وجه التزام دریافت شود. به استناد ماده ۴۵ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۷۸ و ممنوع اعلام کردن سوء استفاده قدرت اقتصادی از طریق تحمیل شروط غیر منصفانه و ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک که اعمال شروط غیر منصفانه به ضرر مصرف کننده را بی اعتبار دانسته و ماده ۳۹۱ قانون تجارت که امکان تعدیل مسئولیت در موارد تدلیس یا تقصیر عمده متصدی را پیش بینی کرده و قواعد لا ضرر و نفی عسر و حرج که در فصل پیش ذکر شد. باید امکان تعدیل را پذیرفت (پاسیان و دیگران ۱۳۹۳:۲۱۰)



بخش پنجم: قابلیت اجرای شرط وجه التزام

بند اول: اقسام تعدیل

۱. تعدیل قراردادی

طرفین قرارداد پس از توافقات لازم شرط وجه التزام را در قرارداد خود مورد پذیرش قرار می دهند و همانطور که بیان شد این نشأت گرفته از حاکمیت اراده می باشد در نتیجه همان دو اراده ای که ایجاد کننده چنین شروطی بوده اند نیز می توانند هم شرط وجه التزام و هم اصل قرارداد را اقاله نمایند و یا با توجه به شرایط خاص و دلایل دیگر آن را تعدیل نمایند و به نوعی قرارداد را اصلاح می نمایند. طرفین قرارداد معمولاً یا در متن قرارداد تعدیل و اصلاح آن را پیش بینی میکنند و با می توانند پس از انعقاد عقد و در قالب یک قرارداد جداگانه در خصوص تعدیل وجه التزام و شرایط آن به تراضی برسند.

بنابراین این نوع از تعدیل که از آن به عنوان تعدیل قراردادی نام برده میشود خود نیز ناشی از حکومت اراده و قصد مشترک طرفین می باشد در نتیجه در نفوذ و اعتبار چنین تعدیلی خواه در ضمن عقد اصلی باشد و یا در قراردادی جداگانه به قرارداد اصلی اضافه گردد هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. بنابراین طرفین میتوانند یا در ضمن قرارداد اصلی و یا در قراردادی جداگانه پیش بینی نمایند که اگر با توجه به شرایط و نوسانات اقتصادی مبلغ وجه التزام بسیار ناچیز گردد و یا به طور گزاف و ناعادلانه بسیار افزایش یافت طرف ذی نفع میتواند مبلغ مزبور را تعدیل نماید و با شرایط عدالت و انصاف منطبق سازد. در کوتاه سخن میبایست گفت وجه التزام قراردادی قابل تعدیل قراردادی می باشد و اراده طرفین و قصد مشترک آنها نقش بسیار پر رنگی در این زمینه دارد.

۲. تعدیل قانونی

بیان گردید که تنها ماده ای که در رابطه با وجه التزام به صراحت صحبت کرده است ماده ۲۳۰ می باشد که در این ماده عنوان شده است که تعدیل وجه التزام پذیرفته نمی باشد. این ماده با توجه به اینکه از ماده ۱۱۵۲



قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است اما هرگز در اصلاحات بعدی که در قانون فرانسه به وجود آمد. قانون ما در ماده ۲۳۰ ق.م. همگام و همراه قانون مدنی فرانسه پیش نرفت زیرا قانونگذار فرانسه در سال ۱۹۷۵ میلادی تعدیل وجه التزام غیر عادلانه را پذیرفت اما ماده ۲۳۰ قانون مدنی هرگز دستخوش این دگرگونی و تحولات نگردید. به همین علت برخی از حقوقدانان از قبیل دکتر حسن امامی با عنایت به ماده ۲۳۰، هرگونه تعدیل وجه التزام را مخالف صریح ماده مذکور می دانند. اما در واقع باید پذیریم که در شرایط کنونی تعدیل وجه التزام کمک بیشتری به تحقق عدالت و جلوگیری از سوء نیتها مینماید و باید به دنبال یک راه حل قانونی در میان قوانین خود باشیم تا گامی بلند در راستای پویاتر شدن حقوق و قوانین خود برداریم. در همین رابطه یکی از حقوقدانان بیان میکند چنانچه شرط وجه التزام را بتوان از مصادیق مادتين ۹۰۶ و ۹۷۵ قانون مدنی (یعنی صرفنظر کردن حریت و آزادی در حدودی که مخالف اخلاق حسنه است) قلمداد نمود در واقع کلان بودن مبلغ وجه التزام موجب میشود که وضع اقتصادی مشروط علیه را به خطر اندازد. دادگاه می تواند برای پیشگیری از چنین خطراتی مبلغ وجه التزام را تعدیل و تقلیل دهد. اما در مورد چنین نظری که پذیرش آن به مراتب دشوار و دور از ذهن است باید عنوان داشت که شرط وجه التزام از جمله قراردادهای خصوصی میباشد در نتیجه شرط مربوط به عدم مخالفت قرارداد با اخلاق حسنه و نظم عمومی از شرایط اعتبار وجه التزام است و لذا فقدان شرایط اعتبار وجه التزام موجب بطلان شرط تا حدی است که مغایر نظم عمومی باشد. در ماده ۴ قانون مسوولیت مدنی آمده است که دادگاه میتواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد: ۱- هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلیتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و ۲- جبران آن موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زبان باشد. بنابراین تلاش شده است تا با وجود ماده ۲۳۰ ق.م. از طریق مواد دیگر این معضل برطرف شود که یکی از این مواد ماده ۴ ق.م.م میباشد. در مورد ماده ۴ قانون مسوولیت مدنی و اینکه آیا با استناد به این ماده و تحقق شرایط مطروحه در آن ماده امکان تعدیل وجه التزام به وجود می آید یا خیر؟ در مطالب آینده به تفصیل صحبت خواهد شد. اما آنچه باید در آخر بیان داشت این است که در مواد قانونی ما به صراحت در مورد پذیرش تعدیل وجه التزام و امکان اجرای آن صحبتی به میان نیامده است و حقوقدانان تلاش نموده اند که با تفسیر مواد قانونی دیگر راهی برای حل این معضل پیدا نمایند.



۳. تعدیل قضایی

در سیستمهای حقوقی نوشته نقش قاضی در تعدیل قرارداد (که تعدیل وجه التزام هم بخشی از آن می باشد را پذیرفته زیرا در این گونه سیستم ها تغییر تعهدات طرفین و متعادل کردن قرارداد در صلاحیت قانونگذار است و قاضی به هیچ وجه و تحت هیچ عنوانی ولو به نام اجرای عدالت حق کاستن و یا افزودن بر آن را ندارند و همانگونه که ملزم به اجرای قانون است باید قرارداد را نیز اجرا کند. اما بدیهی است که رویه قضایی که همواره بعنوان یکی از منابع مهم حقوق در تمام سیستم های حقوقی پذیرفته شده است و حتی در حقوق انگلیس منبع درجه اول بحساب می آید معمولاً نقش مهمی در برطرف کردن کمبودها و نقائص قانونی داشته و حتی گاهی قانونگذاران با تاسی از تحولات رویه قضایی اقدام به اصلاح قوانین کرده اند. شایسته است که محاکم کشور ما نیز همانند دادگاههای سایر نظامهای حقوقی تحولی در این زمینه پدید آورند تا چنین کمبودی که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، مرتفع گردد. بدون تردید اگر امکان تعدیل برای قاضی وجود داشته باشد و از لحاظ نص قانونی مشکلی در این زمینه وجود نداشته باشد قاضی میتواند با در نظر گرفتن بسیاری از موارد از قبیل شرایط حاکم بر اوضاع و احوال، فقر و بی سوادی طرف معامله شرایط اضطراری و مواردی از این قبیل، حکم به تعدیل چنین شرطی نماید که این اختیار برای قاضی میتواند مصالح کلی جامعه را به همراه داشته باشد. بهتر آن است که به شخص قاضی به عنوان فردی امین در جهت احقاق حقوق مردم و اجرا کننده و اعمال کننده قانون در کشور چنین حقی حتی به طور خفیف و استثنایی داده شود.

۴. رویه های جاری

هرگاه شرط وجه التزام تمامی شرایط را از حیث صحت ایجاد داشته باشد بدون تردید قابلیت اجرا پیدا خواهد نمود و چنانچه متعهد نتواند به تعهد خود در زمان مقرر عمل نماید نسبت به پرداخت وجه التزام مقرر، مکلف خواهد شد. در این زمینه قطعاً همیشه میزان وجه التزام در تناسب صحیحی نسبت به خسارت واقعی قرار ندارد و مواردی پیش می آید که مبلغ موضوع شرط بسیار گزاف و یا بسیار اندک و ناچیز می باشد. لذا در نظام های حقوقی مختلف در رابطه با این موضوع رویه ی واحدی را اتخاذ نکرده اند. در ذیل به بررسی رویه



های اتخاذ شده در رابطه با اجرای شرط وجه التزام به صورت کلی خواهیم پرداخت:

الف) اصل اجرای بدون قید و شرط شرط وجه التزام

در رابطه با اصل اجرای مطلق شرط وجه التزام شرط کیفری از اصل حاکمیت اراده و توافق و خواست طرفین قرارداد و احترام و عدم دخالت در توافقات آنها بسیار صحبت شده است اما اساساً باید اذعان داشت در مواردی که وجه التزام تعیین شده تناسب با خسارت واقعی ندارد و مقصود از چنین شرط وجه التزامی، تحت فشار گذاشتن متعهد برای اجرای به موقع تعهد و تنبیه او در صورت عدم اجرای آن است. می‌توان ادعا کرد که در زمان اندراج چنین شرطی در قرارداد هیچ یک از طرفین واقعاً اجرای چنین شرط گزافی را قصد نکرده‌اند. پس عدم اجرای آن از سوی دادگاه شاید با چنین توجیهی، مخالف با اصل حاکمیت اراده نباشد.

ب) اجرای وجه التزام با حق تعدیل

در بسیاری از کشورهای تابع سیستم حقوق نوشته و البته برخی از کشورهای حقوق عرفی، علاوه بر پذیرش اصل اجرای شرط کیفری (وجه التزام) در شرایط خاص و معینی اختیار تعدیل آن را به قاضی اعطا نموده‌اند. اختیار چنین تعدیلی بدون شک منوط است به اینکه مبلغ مندرج در شرط وجه التزام بسیار زیاد باشد. چنین شرطی بسیار زیاد در حقوق کشورها با تعابیر نامعقول به نحو نامتناسبی بالا بودن و یا به نحو آشکاری بیش از اندازه معرفی گردیده است. در این زمینه مسئله قابل بحث این است که ملاک نامتناسب بودن مبلغ وجه التزام چیست؟ به نظر می‌رسد پذیرش خسارت واقعی به عنوان ملاک مقایسه با وجه مندرج در شرط به منظور احراز بیش از اندازه زیاد بودن آن منطقی باشد زیرا هر چند بخشی از خسارت واقعی وارده به متعهدله، از نظر قانونی قابل وصول نباشد حداقل انتظار متعهدله از اشرطاط شرط وجه التزام جبران کلیه خساراتی است که در نتیجه نقض قرارداد متوجه او میشود. هر چند باید متذکر شویم که گاهی ممکن است بخشی از خسارات وارده به متعهدله به خاطر قصور شخصی او در کاستن خسارات حاصله باشد و گاهی نیز اساساً بخشی از خسارات به لحاظ این است که متعهدله نیز در نقض قرارداد از سوی متعهد سهمیم بوده و موجبات آن را فراهم آورده است. با تصور چنین فروضی این بخش از خسارات واقعی که باید ملاک مقایسه با وجه مندرج در شرط قرار گیرد



ناعادلانه می‌باشد زیرا این گونه خسارات اساساً انتساب پذیر به فعل متعهد در نقض قرارداد نیست.

نتیجه گیری

تعدیل وجه التزام در واقع کمک به شرایط پیش بینی نشده است که می‌تواند باعث خدشه دار شدن عدالت شود. با عنایت به گسترش درج شروط تحمیلی و غیر منصفانه در قرارداد و کامل نبودن یا ناقص بودن قوانین در خصوص مبارزه با چنین شروطی و از طرف دیگر قرار گرفتن پیش بینی نشده متعهد در موضع ضعف به هنگام اجرای قرارداد و رو به رو شدن با خسارت سنگین قراردادی که اختلاف فاحشی با خسارت واقعی دارد و نبودن راهکار مناسب قانونی تعیین و یافتن راه حل مناسب در این مواقع را بیش از پیش ضروری مینماید که به نظر میرسد مداخله دادگاه و به عبارتی عدالت قضایی در احیای عدالت معاوضی بهترین گزینه باشد در عدالت قضایی قاضی با ملاحظه نابرابریهای اقتصادی و فنی با استدلال خود بر مبنای اصول و قواعد فقهی موجود تعادل و توازن عرفی در حقوق و تعهدات طرفین را مجدداً به قرارداد بر میگرداند. با ملاحظه آراء دادگاهها در حوزه مبارزه با خسارات قراردادی، برخی قضات منطوق ماده ۲۳۰ قانون مدنی را کنار گذاشته و با تفسیر ماده مزبور و با توجه به ماهیت ترمیمی بودن وجه التزام با استفاده از ((اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد و عدالت انصاف به عنوان یک قاعده)) و سایر اصول و قواعد به شرح پیش گفته سعی در تعدیل شروط مربوط به وجه التزام دارند. عدم تبعیت محض قضات از ظاهر ماده ۲۳۰ قانون مدنی نمی تواند چیزی جز اجرای عدالت و در محدوده محکوم کردن مواردی چون رفتار خلاف قصد مشترک رفتار خلاف حسن نیت دارا شدن غیر عادلانه و سوء استفاده از حق باشد. زمانی که مبلغ وجه التزام با خسارت واقعی تفاوت زیادی وجود دارد پذیرش ممنوعیت دادگاه از تعدیل مبلغ مورد توافق دشوار است در حقوق ایران اصل بر ترمیمی بودن خسارت و اعاده وضع زبان دیده به حالت سابق است و نظر به تنبیهی بودن وجه التزام و حکم به پرداخت خسارت تنبیهی نوعاً مورد پذیرش نیست و از آنجا که نامشروع تلقی کردن شرط وجه التزام گزاف موجب حذف کامل اراده طرفین در ضمانت اجرای عدم اجرای تعهد است لذا تعدیل چنین وجه التزامی عاقلانه تر و منطبق با اراده واقعی طرفین است.



منابع و مآخذ

۱. امامی، سید حسن، ۱۳۷۵، حقوق مدنی، ج ۱، نشر کتابفروشی اسلامیة، چاپ.
۲. اشتری، محمد، ۱۳۷۵، مسوولیت مدنی (ترجمه اثر میشل لور راسا) نشر حقوقدان..
۳. الماسی، نجاد علی، ۱۳۷۰، تعارض قوانین، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۴. امامی، حسن، ۱۳۴۷، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
۵. امامی، حسن، ۱۳۸۵، حقوق مدنی، جلد ششم، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
۶. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۷۸، وقایع حقوقی، جلد اول، ریال چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۷. ایزانلو، محسن، ۱۳۸۶، شروط محدود کننده و ساقط کننده در قراردادها، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۸. باریکلو، علیرضا، ۱۳۸۵، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۹. بادینی، حسن، ۱۳۷۸، جزوه الزام های خارج از قرارداد، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۰. بادینی، حسن، ۱۳۸۴، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۱۱. باریکلو، علی رضا؛ ۱۳۸۵، مسئولیت مدنی، تهران، میزان، چ ۱،
۱۲. تفرشی، محمد عیسی و دکتر فخرالدین اصغری آق مشهدی، ۱۳۸۲، لزوم قابل پیش بینی بودن ضرر ناشی از نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران، فصلنامه پژوهش بازرگانی، ش ۲۹، زمستان.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۲، ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهمف تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۴. حسینی نژاد، حسینقلی، ۱۳۷۰، مسئولیت مدنی، چاپ اول تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
۱۵. جعفری تبار. حسن از آستین طبیبان. مقاله (قولی در مسوولیت کیفری پزشک) نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ش ۴۱.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۳، حقوق تعهدات، ج ۱، نشر دانشگاه تهران.
۱۷. خراسانی، آخوند ملامحمد کاظم، ۱۴۱۲، کفایه الاصول، نشر موسسه انتشارات اسلامی قم، ه.ق.
۱۸. حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، مجمع علمی و فرهنگی مجد ۱۳۷، تهران.
۱۹. حسینی العاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، نشر دار احیاء التراث العربی، ج



۱۲، بی تا.

۲۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ۱۳۸۷، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ ۱۹،
۲۱. دالوند، فضل الله؛ ۱۳۸۶، تقسیم مسئولیت مدنی، اصفهان، انتشارات دادیار، چ ۱،
۲۲. دهخدا، علی اکبر؛ ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۲، ج ۲،
۲۳. ژوردن، پاتریس، ۱۳۸۶، تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی، مترجم (ادیب، مجید)، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۲۴. سید حسن امامی، ۱۳۷۴، حقوق مدنی، جلد اول، نشر کتابفروشی اسلامیة، چاپ پانزدهم.
۲۵. سنهوری، عبدالرزاق، ۱۳۸۴، دوره حقوق تعهدات، جلد دوم، مترجم (دادمرزی، مهدی، دانش کیا، محمد حسین) چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه قم.
۲۶. شهیدی، مهدی، ۱۳۸۲، حقوق مدنی ج ۳ (آثار قراردادها و تعهدات). نشر مجد..
۲۷. شهید ثانی، ۱۴۱۹، مسالک الافهام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱۵.
۲۸. شیوائی، کجوری، شمس الدین، ۱۳۶۷، مقایسه مسئولیت مدنی قراردادی با مسئولیت مدنی غیر قراردادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۲۹. شمس، عبدالله، ۱۳۷۹، این دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دراک.
۳۰. شمس، عبدالله، ۱۳۸۴، این دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دراک.
۳۱. شهیدی، مهدی، ۱۳۸۳، اصول قراردادها و تعهدات، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد.
۳۲. شهیدی، مهدی، ۱۳۸۲، حقوق مدنی، آثار قراردادها و تعهدات، انتشارت مجد، چاپ اول.
۳۳. شهیدی، مهدی، ۱۳۸۳، حقوق مدنی اصول قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، چاپ سوم.
۳۴. صفایی و دکتر قاسم زاده، ۱۳۷۷، اشخاص و محجورین، نشر سمت..
۳۵. صدری، ابوالقاسم، ۱۳۵۹، مسئولیت ناشی از قرارداد در حقوق ایران، تهران، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
۳۶. صفایی، سید حسین، ۱۳۷۵، حقوق مدنی و تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۳۷. صفری، محسن، ۱۳۷۹، مسئولیت مدنی سبب مجمل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹.
۳۸. صفری، محسن، ۱۳۷۷، فریبکاری و آثار آن (قاعده غرور) در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه، چاپ اول،



تهران، انتشارات میزان و داد گستر.

۳۹. صفری، محسن، شاهنوش فروشانی، محمد عبدالصالح، توابع مورد معامله در فقه امامیه، حقوق مدنی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین، چاپ اول، تهران، داد گستر.
۴۰. علامه حلی، ۱۴۱۰، ارشاد الازهران، موسسه نشر اسلامی قم..
۴۱. عبدالمجید امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، حقوق تعهدات، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول.
۴۲. عزیزالله فهیمی، ۱۳۸۴، قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره سی چهارم و سی پنجم،
۴۳. عدل، مصطفی، ۱۳۷۳، حقوق مدنی، انتشارات بحر العلوم، چاپ اول.
۴۴. غمامی، مجید، ۱۳۸۳، قابلیت پیش بینی ضرر در مسوولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۴۵. غمامی، مجید، ۱۳۸۳، قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار.
۴۶. قائم مقامی. عبدالمجید. حقوق تعهدات. نشر میزان. چاپ اول. ۱۳۷. ج ۱.
۴۷. قاسم زاده، مرتضی، ۱۳۸۶، الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۴۸. قاسم زاده، مرتضی، ۱۳۷۸، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات داد گستر.
۴۹. قاسم زاده، سیدمرتضی؛ ۱۳۸۷، الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران، میزان، چ ۲،
۵۰. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۸، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، نشر بهنشر.
۵۱. کاتوزیان. ناصر. ۱۳۶۹، ضمان قهری. مسوولیت مدنی. نشر دانشگاه تهران. چاپ دوم..
۵۲. کاتوزیان. ناصر. ۱۳۶۹، ضمان قهری. مسوولیت مدنی. نشر دانشگاه تهران. چاپ دوم..
۵۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، قواعد عمومی قراردادها، نشر شرکت انتشار. چاپ دوم. ج ۴.
۵۴. کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۰، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
۵۵. کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۲، ضمان قهری و مسوولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۵۶. کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۲، عقود معین، جلد چهارم، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
۵۷. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، الزام های خارج از قرارداد، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵۸. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات شرکت سهامی

انتشار.



۵۹. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۶۰. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات میزان.
۶۱. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۲، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
۶۲. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۹، تعارض قوانین در زمان، چاپ و م، تهران، انتشارات کانون وکلای مرکز.
۶۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، تهران، نشر یلدا.
۶۴. کریمی، عباس، ۱۳۸۶، ادله اثبات دعوا، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۶۵. کریمی، عباس، ۱۳۸۶، آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۶۶. لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، حقوق تعهدات، گنج دانش، چاپ سوم.
۶۷. نجفی خوانساری، شیخ موسی، ۱۳۷۲، منیه الطالب (تقریرات درس میرزای نائینی در شرح مکاسب)، مؤسسه نشر اسلامی، ق ۱۴۲۱ ه ج.
۶۸. نوری، محمد علی، ۱۳۸۰، ترجمه موادی از قانون مدنی فرانسه، نشر گنج دانش.
۶۹. وحدتی شبیری، سید حسن، ۱۳۸۱، ضمان در مسئولیت مدنی. پایان نامه، دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس.